



انترناسیونال

۱۹۱

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۸۶، ۱۱ مه ۲۰۰۷

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

خطاب به سربازان از دستورات سرکوبگران سرپیچی کنید!

طبق گزارش سایت کانون معلمان، در جریان تجمع روز ۱۸ اردیبهشت، سربازی بنام سید مصطفی صمدانی که شاهد ضرب و شتم معلمان در جلوی مجلس بود، به سرکوب معلمان اعتراض کرده و گفته است

صفحه ۵

تهاجم فاشیستی جمهوری اسلامی به کارگران مهاجر افغانی فوراً باید متوقف شود!



یادآور برخورد فاشیستها به مردم منتسب به یهودی در جریان جنگ جهانی دوم است و همچون یکی از سیاه ترین لحظات عمر این حکومت در سینه تاریخ ثبت خواهد شد. جمهوری اسلامی یک رژیم فاشیستی است. این را همه می دانند. ولی این رژیم در برخورد به مهاجرین افغانی

صفحه ۸



حسن صالحی

موج جدید حمله به مهاجرین افغانی ساکن ایران همچون دفعات قبل



در اعتراض به سفر وزیر خارجه جمهوری اسلامی به سوئد

سیامک بهاری

صفحه ۶

“بازگشت” مارکس؟ سیاوش آذری

صفحه ۴

اعلام کمپین برای آزادی دستگیرشدگان
اول مه سنندج، معلمان زندانی و در دفاع
از کارگران مهاجر افغانی

صفحه ۵

ضمیمه این شماره انترناسیونال:
جمهوری اسلامی باید برود!
نوشته حمید تقوائی
بزودی منتشر میشود

فعالین اول مه سنندج و محمود صالحی
باید فوراً و بی قیدو شرط آزاد شوند!



شیت افغانی
خلک سوارای
صدیق کریمی
اقبال لطیفی
بدالله مرادی
نجمه الدین رجیبی
قاروق کرلیان
انور منقاری
صدیق امجدی
حبیب الله کلکانی
محمی الدین رجیبی
صدیق صبحانی
طیب چنانی

شیت افغانی

صدیق کریمی

محمود صالحی

خلک سوارای

روزنامه سوسیالیستی



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

کنگره ۶

۴ سؤال از شهلا دانشفر و محمد آسنگران



انترناسیونال: کنگره شش بزودی برگزار میشود. مسلماً موانع زیادی برای حضور تعداد هر چه بیشتری از اعضا و کادرهای حزب در ایران برای حضور در کنگره وجود دارد. با این

صفحه ۲



کنگره ۶، مصاحبه با دو فعال حزب در داخل

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حال شرکت این رفقا مهم است. پیامتان برای دخالت وسیعتر این رفقا در کنگره و تصمیماتش چیست؟

شهلا دانشفرو: امروز ما در شرایطی کنگره را برگزار میکنیم که متأسفانه فعالین حزب در ایران، اساساً به دلیل موانع امنیتی، امکان حضور فیزیکی گسترده در آن را ندارند. اما باید این خلا را با دخالت سیاسی فعال این رفقا پر کرد و ما برای آن تلاش میکنیم.

واقعیت اینست که کنگره ۶ حزب هم اکنون در شرایط تاریخی معینی دارد تشکیل میشود. شاید اگر امروز موعد تشکیل کنگره نیز فرا نرسیده بود، باز ما می‌بایست آنرا تشکیل میدادیم. چون بطور واقعی ما در دل شکل گیری یک انقلاب هستیم و مسایل بسیاری در مقابلمان قرار گرفته است که باید فوراً به آنها پاسخ دهیم. ما که سازماندهندگان این انقلاب هستیم باید نقش تاریخی خود را ایفا کنیم. انقلابی که در پیش است، انقلابی سرخ خواهد بود و پرچم آن سوسیالیسم است. این را در اول مه و ۱۶ آذر و هشت مارس با پلاکاردهای سرخ سوسیالیسم و با دیگر شعارهای دیدیم و سرود انترناسیونال سرود همبستگی بین المللی کارگری که امروز در ایران به مناسبت های مختلف خوانده میشود، نیز دارد نوید چنین انقلابی را میدهد. این یعنی اینکه امروز چه در جامعه دارد هر روز قویتر میشود و بیشتر به جلو می‌آید و مهر خود را بر تحولات سیاسی جامعه میکوبد. حزب کمونیست کارگری ایران خود را نماینده این چه و صدای اعتراض آن میدانند. این حزبی است که پرچم سوسیالیسم را به دست گرفته است. کنگره ۶ کنگره چنین حزبی است که خود یک مولفه مهم در تحولات سیاسی امروز ایران است.

بنابراین پیام من به اعضا و کادری حزب در داخل اینست که رفقا ما در شرایط سیاسی حساسی این کنگره را تشکیل میدهم. بیاید جلو و در تصمیم گیری های خطیری که در این کنگره در برابر ما قرار دارد نقش ایفا کنید. با قطعنامه هایمان، با پیشنهاداتمان، با پیامهای سیاسی، تان، خلا عدم حضور فیزیکی تان در کنگره را جبران کنید. باید تشکیلات حزب در داخل ایران با دخالت فعال

سیاسی خود در مباحث این کنگره وزنه سنگینی در کنگره داشته باشد. رفقا باید همه ما که بطور واقعی سازندگان انقلابی هستیم که در پیش است، تلاش کنیم تا در این کنگره نقش تاریخی خود را ایفا کنیم. اگر این کنگره در ایران برگزار میشود، بدون شك بسیاری از همین هایی که امروز دارند پلاکاردهای سوسیالیسم یا بربریت و دیگر شعار های چه و رادیکال را در ۱۶ آذر ها و هشت مارس ها و اول مه ها و غیره بدست میگیرند و به خیابان میروند، جایشان در این کنگره بود و بطور واقعی بسیاری از رهبران کارگری و کارگران کمونیست می‌بایست امکان شرکت در این کنگره را داشتند. اما امروز که اوضاع چنین نیست باید با دخالت سیاسی فعال در مباحث کنگره این حضور را تامین کرد.

از همین رو من نه فقط فعالین و کادری حزب در ایران، بلکه هر کس که خود را به این جنبش متعلق میداند را مورد خطاب قرار میدهم و انتظار دارم که تلاش کنند پیام خود را به دست ما و به این کنگره برسانند.

انترناسیونال: تصویرتان از کنگره ۶ چیست؟ هر دو سال یک بار کنگره برگزار میکنیم. ویژگیهای کنگره امسال چه میتواند باشد؟

محمد آستگران: رفقای دیگری در این مورد قبلاً نوشته اند. من فقط به نکاتی که به نظرم اهمیت بیشتری دارند تأکید می‌کنم. این کنگره یک حزب چه و افراطی است که در جامعه ایران حساسیتهای مثبت و منفی زیادی حول آن شکل گرفته است. حزب کمونیست کارگری ایران از مقطع کنفرانس برلین تا کنون به دفعات حامل پیامهای معین و مهمی برای جامعه بوده است. این کنگره یک حزب سنت شکن و مدعی قدرت است. کنگره حزب علیه اعدام و کنگره حزب مدافع حقوق جهانشمول انسان است. برای بیان ویژگی این کنگره باید اول ویژگی خود این حزب را شناخت.

حزب کمونیست کارگری ایران در منتهی علیه چه کارگری جامعه قرار دارد. فعالیتها و خط و سیاست این حزب در جامعه منحصر به فرد است. ما برخلاف تمام چه سابق و فعلی، هیچ آوانسی به مذهب ندادیم. برعکس همیشه به عنوان

جریانی که افراطی به مذهب برخورد میکنیم مورد نقد و حمله قرار گرفته ایم. همیشه به عنوان جریانی که زیادی از کارگر و سوسیالیسم حرف میزنیم و امیدوار به عملی کردن جمهوری سوسیالیستی یا جامعه سوسیالیستی هستیم مورد سرزنش و حتی پوزخند نه تنها راست که چه هم قرار گرفته ایم. در مقابل جریانات مایوس و گرایش امکانگرایی چه و راست هر دو، همیشه ایستاده ایم و از همه قدرت سیاسی و از سوسیالیسم حرف زده ایم. به قول منصور حکمت حرف آخرمان را همیشه اول زده ایم. این کنگره هم ویژگیهایش را از این خصوصیات و ماهیت حزب میگیرد. علاوه بر اینها شرایط و اوضاع سیاسی ایران، تهدید جنگ، رشد چه و رشد رادیکالیسم جنبشهای اجتماعی و در راس همه اینها جنبش کارگری آن ویژگیهایی است که به کنگره رنگ و بوی ویژه ای میدهد و یا باید بدهد.

خلاصه اینکه اگر تاریخاً چه و جنبش کارگری حد اقل بعد از انقلاب اکتبر تا حالا جدا از هم حرکت کرده اند، برای اولین بار این نقیصه را اکنون نمیتوان در مورد حزب کمونیست کارگری و جدائیش از جنبش کارگری گفت. این اتفاق مهم و تاریخ سازی است. من میدانم مخالفین و دشمنان ما چشم دیدن این تحول مهم را ندارند و نمیخواهند به رسمیت بشناسند. اما این فاکتور هم، مثل به چه چرخیدن جامعه بعد از چند سالی وجود خود را به هر ناباوری تحمیل میکند.

بنابر این ویژگی کنگره به نظر من این است اینبار این فقط کنگره یک جریان چه در کنار دیگر جریانات نیست. این کنگره یک حزب جدی با پایه های قوی کارگری و نفوذ اجتماعی است. و به همین دلیل ناچار است و باید به معضلات این جنبش و روشن کردن افق و سیاستهای آن رو به آینده جواب بدهد. خلاصه کنم ویژگی این کنگره جواب دادن به نیازهای کمونیسم دوره حاضر در سطح کشوری و بین المللی است.

انترناسیونال: مسلم است که ما در مقطع سیاسی مهمی در تاریخ ۲۸ ساله حکومت اسلامی قرار داریم. حزب کمونیست کارگری در صحنه سیاسی ایران جایگیر میشود. انتظاراتان از کنگره تا آنجا که به موقعیت حزب در صحنه سیاسی ایران برمیگردد چیست؟

شهلا دانشفرو: درست است. در اوضاع

جلسه پالتاک با حمید تقوایی

اتحاد گرایشات: تعابیر و واقعیات

بعثی در مورد حزب، جنبش، و "اتحاد گرایشات" کمونیسم کارگری
زمان: شنبه ۲۲ اردیبهشت ۸۶، ۱۲ مه ۲۰۰۷،

ساعت ۹:۳۰ شب بوقت ایران

۸ شب بوقت اروپای مرکزی و ۲ بعد از ظهر بوقت شرق کانادا و آمریکا

محل اطاق در پالتاک:

اطاق Ba Hamid Taqvaei

زیر گروه Middle East- Iran

اجتماعی و در راس آنها جنبش کارگری هستیم و از طرف دیگر سایه جنگ و تقابل دو قطب تروریستی در سطح منطقه ای و بین المللی میلیونها انسان را با نگرانی روبرو کرده است. این دو فاکتور مهم در مقابل ما وظایفی طرح میکنند. کنگره باید به این وظایف خود بپردازد و جواب درخور بدهد.

شاید لازم به تأکید نباشد که برای جوابگویی به این وظایف خطیر در قدم اول باید یک حزب منسجم و با افق روش و سوسیالیستی داشته باشیم. تحکیم حزب و بدنه کادری حزب پیش شرط این امر مهم و جواب گویی به نیازهای این دوره است.

اما سوال این است با یک حزب منسجم چکار می‌خواهیم بکنیم. معلوم است تنها چنین حزبی میتواند سیر رویدادها را تشخیص بدهد و برای هدایت جامعه از تندبچههای پیش رو آماده باشد. حزب کمونیست کارگری در این کنگره باید عزم جزم خود را یک بار دیگر با صدای رسا اعلام کند که با کسب قدرت سیاسی اجازه نمیدهد که نیروها و جریانات ماجراجو جامعه را به ورطه نابودی و هرج و مرج بکشانند. حزب کمونیست کارگری مصمم است که با سرنگونی جمهوری اسلامی این بازی شطرنج دو قطب را به هم بریزد و سمت و سوی تحولات را چنان جهت بدهد که نه قومپرستان و نه جریانات اسلامی امکان و مجال گسستن شیرازه جامعه را پیدا نکنند. حزب مصمم است که در مقابل قطب تروریسم دولتی آمریکا و متحدینش با اتکا به نیروی بشریت متمدن بایستد و اجازه ماجراجویی ندهد.

اگر حزب کمونیست کارگری در این کنگره بتواند به این نیازها جواب بدهد و مردم در سیاستها و جهتگیریهای این حزب این مصمم بودن را ببینند امکان انتخاب حزب به عنوان آلترناتیو جمهوری اسلامی امری آسانتر خواهد بود. *

متحول امروز انتظارات زیادی از حزب و در نتیجه از کنگره ای که در پیش داریم میروند. واقعیت اینست که حزب ما امروز، بعنوان پرچمدار کمونیسم کارگری در ایران که پیشاپیش یک جنبش عظیم انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی قرار گرفته، نقش تاریخی و مهمی برعهده دارد. به همین اعتبار کنگره ۶ که در اوضاع متحول امروز دارد برگزار میشود باید مهر اوضاع امروز را بر خود داشته باشد و به وظایف فوری امروز ما پاسخ دهد. کنگره ای باشد که برای مقابله با جنگ و توحش دو قطب تروریست جهانی، اسلام سیاسی و میلیتاریسم آمریکا و به شکست کشاندن سیاستهای نظم نوین جهانی آمریکا در مقابل جهان و کل جامعه راه نشان میدهد. کنگره ای باشد که نه کل جامعه را به این رژیم و کل توحش سرمایه در ایران نمایندگی میکند و راه به پیروزی رساندن این انقلاب و برافراشتن پرچم سوسیالیسم را نشان میدهد. کنگره ای باشد که در آن حزب بعنوان یک فاکتور مهم در تحولات امروز جایگاه محکمتر از همیشه پیدا میکند و توجه رهبران کارگری و فعالین کمونیست را به اوضاع خطیر امروز و اهمیت بیوستن به این حزب جلب کند و آنها را به پیوستن به آن فرامیخواند. کنگره حزبی باشد که می‌خواهد با تمام قوا برای سرنگونی جمهوری اسلامی، تصرف قدرت سیاسی و برپایی جمهوری سوسیالیستی مبارزه کند و پلانتفرم آنرا در پلنوم ۲۷ نیز داده است. کنگره ۶ باید کنگره انقلاب و سوسیالیسم باشد. اینها آن تصویر و آن انتظاراتی است که از کنگره ۶ دارم.

انترناسیونال: کنگره ۶ روی چه مسائلی باید متمرکز شود؟

محمد آستگران: من در سوال قبیل به سرخط های این مسایل اشاره کردم اما بطور ویژه تری به نظر من اکنون از یک طرف ما شاهد رشد اعتراضات

مصاحبه با دو فعال حزب در داخل در مورد کنگره ششم حزب

این مصاحبه را شهلا دانشفرو دانشفر برای درج در انترناسیونال ترتیب داده است

شهلا دانشفرو: به نظر شما اهمیت سیاسی کنگره ۶ چیست؟

موقی فاتح: اهمیت سیاسی این کنگره در درجه اول به شرائط اجتماعی و تاریخی موجود در ایران و شرائط و پوزیشن طبقات اصلی در جامعه و به تبع آن موقعیت عمومی حزب در جامعه مربوط میشود. بر خلاف دوستانی که فکر میکنند هنوز ما باید خود را برای شنا در قسمت گود استخر آماده کنیم، من معتقدم ما وارد این قسمت شده ایم. فهمیدن این مسئله احتیاج به آمار و دانش ویژه ای ندارد، کافی است اندکی بدون غرض نگاهی به رابطه شعارهای موجود در جنبش های مختلف در ایران و سیاستها و شعار های حزب بیندازیم تا این مسئله روشن شود. برای درک این رابطه البته باید تعریف و درک مارکسیستی از رابطه حزب سیاسی و جامعه و همچنین طبقه کارگر داشته باشیم. یکی از دلایل اصلی، جدی شدن و گسترش آلترناتیو کارگری سوسیالیستی در شرائط حاضر چه در جنبش کارگری و چه در سایر جنبشهای اجتماعی موجود، به دلیل فعالیتها و مباحث مطرح شده توسط حزب در جامعه است. گسترش اعتراضات اجتماعی و رادیکالیزه شدن این جریانها حتی علیرغم میل و اراده برخی از فعالین اجتماعی این جریانها، نشانه جدی تر شدن مبارزه اجتماعی در شرائط امروز است، در چنین شرائطی تنها آن نیروئی قادر به اعمال رهبری در این عرصه هاست که خود دارای نقشه عملی رادیکال و زمینی باشد. این کنگره میتواند در این شرائط گامی جدی برای تهیه این نقشه عمل و انسجام درونی برای متحقق کردن این چنین برنامه ای باشد.

امروز حتی راستترین بخش های حاکمیت و اپوزیسیون نیز بر حضور و حتی دست بالا داشتن آلترناتیو سوسیالیستی در اعتراضات اجتماعی معترف هستند. چنین پدیده ای مسلما ناشی از غریزه اجتماعی یا خودبخودی نیست. این پدیده ناشی از چند دهه مبارزه پیگیر و متشکل مارکسیستهایی مانند ما است. پس از چندین دوره که سایر طبقات آلترناتیو های خودشان پیش برده اند، نوبت به آلترناتیو کارگری

رسیده است که میتواند بنیادی ترین پاسخ به تمام مشقتها و بی عدالتیهای موجود باشد. این شرائط هم برای حزب ما و هم کل طبقه کارگر شرائط تعیین کننده ای است. از همین جا میتوان به اهمیت سیاسی پراتیک این کنگره پی برد. این کنگره همچنین میتواند نشانه دهنده نهادینه شدن کمونیسم کارگری به عنوان یک نگرش عینی و زمینی در حزب باشد. نگرشی که دیگر حزب و طبقه کارگر را بدون آن نمیتوان تعریف کرد.

امید رهایی: این کنگره در شرائط سیاسی حادی در حیات تاریخ سیاسی جامعه ایران برگزار میشود. این شرائط، از نظر حاد شدن مبارزه طبقاتی و قرار گرفتن در حالتی که جامعه به یک تعیین تکلیف سیاسی نیاز دارد و طبقات اصلی درگیر در این مبارزه، هر کدام بدنبال اعمال افق سیاسی خود بر این پروسه اند، اهمیت زیادی دارد. در چنین وضعیتی است که ما به عنوان حزب کمونیست کارگری، برای جوابگویی به نیازهای جنبش سرنگونی طلبی مردم، جنبش کارگری، زنان و جوانان باید جوابگو باشیم.

شهلا دانشفرو: انتظار شما بطور مشخص از این کنگره چیست؟

موقی فاتح: انتظار من از کنگره مسلما مربوط به درکی است که من از موقعیت حزب در چنین شرائطی دارم. من فکر میکنم ما باید بتوانیم ضرورت های دور آتی مبارزه برای سوسیالیسم را با برنامه ای منسجم اما انعطاف پذیر به پیش ببریم و در این زمینه کنگره میتواند نقش تعیین کننده ای داشته باشد. همچنین جمع بندی از دور قبلی و به نوعی حساسی از پراتیک حزب و همچنین کادرها در دور قبل کمک بزرگی است برای تهیه یک نقشه عمل متناسب با موقعیت فعلی حزب در جامعه. دین صادقانه نقاط ضعف و قوت حزب در این کنگره گامی جدی در حفظ یکپارچگی و رزمندگی حزب است. چنین نگاهی مستلزم داشتن درکی زمینی و به روز، از موقعیت طبقه کارگر و جامعه ایران

و همچنین شرایط عینی مبارزه اجتماعی و شعور سیاسی جامعه است. در مجموع انتظاری که از کنگره می رود، تهیه یک نقشه عمل پراتیکی برای دور جدید فعالیت حزبی است. همچنین نقد گرایشی در حزب که پیشبرد این نقشه عمل ها را کند یا تضعیف میکند.

امید رهایی: جواب این سوال شما، در ادامه جواب سوال قبلی من نهفته است. نیاز جنبش در چنین شرائطی، مسئله سرنگونی و بویژه سرنوشت فردای جامعه، پس از سرنگونی، یعنی قدرت سیاسی پس از جمهوری اسلامی است. از نظر مردم جان به لب رسیده ایران، از نظر کارگران و جوانان و زنانی که به این شرائط ضد انسانی معترضند، قدرت سیاسی در فردای پس از جمهوری اسلامی مهمترین مسئله است. یعنی اینکه قدرت سیاسی ای که باید بتواند به نیازهای جنبش سرنگونی طلبی مردم جوابگو باشد، مهم است که بدست کدام حزب و نماینده کدام جنبش خواهد بود؟ بنا بر این انتظار من از کنگره اینست که به این نیازها جوابگو باشد و جوابگویی به این نیازها یعنی ظاهر شدن در قامت حزبی متحد و آماده کسب قدرت سیاسی. حزبی که آماده است جامعه را از پیچ و تابهای این مبارزه تعیین کننده بدرستی رهبری نموده و جامعه ای انسانی را بدست همین مردم بسازد.

شهلا دانشفرو: فکر میکنید این کنگره باید به چه مسائلی عاجلی پاسخ دهد؟

موقی فاتح: مسلما مسائل عاجل پیش روی کنگره همان مسائل فوری جامعه است که باید به آنها پاسخ داد. اما با توجه به وضعیت فی الحال موجود در زمینه کارگری و سایر عرصه های دیگر اجتماعی میتوان چند نیاز فوری را دسته بندی کرد.

در زمینه مسائل کارگری از نظر من در حال حاضر یکی از مبرم ترین مسائل، یک کاسه کردن اعتراضات کارگری با توجه به گرایشات مختلف درون طبقه کارگر است. برای تحقق این امر باید سیاستی را در پیش گرفت تا تمام گرایشات درون طبقه به ضرورت وحدت عمل در زمینه های مشخص مبارزه و خواسته های

عمومی کارگران بطور مثال در زمینه بیکار سازیها، دستمزدهای معوقه، حق تشکل و اعتصاب... و بطور کلی مبارزات مشخص و در جریان که برای رسیدن به اهداف آن همه گرایشات میتوانند اتحاد عمل داشته باشند واقف گردند. برای این مسئله باید حزب به درک واحدی از گرایشات درون طبقه و نیازها و ملزومات این دوره مبارزه کارگران با توجه به دور جدید مبارزات اجتماعی بطور عمومی و موقعیت سر در گم حاکمیت و تبعات پراتیک این موقعیت جدید دست پیدا کند. چرا که با توجه به دگرگونی های اجتماعی در شرائط متفاوت، موقعیت گرایشات درون طبقه کارگر در ارتباط با اهداف و چشم اندازهای کل طبقه نیز تغییر میکند. از موارد دیگر کارگری به نظر من، برنامه ای برای کانالیزه کردن تشکل یابی کارگران و سازمان های اجتماعی کارگری است. به این دلیل که این روند یعنی ایجاد تشکلهای کارگری امروز با سرعتی متفاوت از دور قبل در جریان است. تشکلهای و نشریات کارگری روزانه اعلام موجودیت میکنند، اما با وجود گرایش چپ و رادیکال حاکم بر این جنبش، بدلیل چند دهه سرکوب و جوان بودن بسیاری از فعالین کارگری هنوز درکی واحد از تشکل متناسب با فضای رادیکال این جنبش دست بالا را ندارد. اکثر فعالین این عرصه با همان ابزار موجود به این امر اقدام میکنند. بطور مثال اکنون هر بخشی از کارگران که در جهت ایجاد تشکلهای کارگری در محیط کار خود فعال هستند الگوی سازمانیابی خود را از تشکلهای فی الحال موجود استخراج میکنند اگر چه ممکن است خود این فعالین عملا فعال این دسته از تشکلهای کارگری نباشند مثلا امروز نمیتوان کارگرانی را که اقدام به تشکیل اتحادیه میکنند را در زمره فعالین اتحادیه ای به لحاظ کلاسیک یا نظری طبقه بندی نمود، بلکه شرائط و الگوهای شناخته شده آنان را به این شکل از سازمان هدایت میکنند. به همین دلیل فعالین کمونیست در این دور، برای جا انداختن بدیل های سازمانی مورد نظرشان در کارگران باید بر مطلوبیت کارکردی، بالا بودن امنیت در این نوع از تشکل برای فعالین و قابل کنترل بودن رهبران توسط

کارگران و احترام به شعور عمومی توده کارگران در اشکال سازمانی مورد نظرشان خصوصا در این دوره تاکید کنند.

در مجموع برنامه و نقشه ای برای کار مداوم و بنیادی برای امر تشکل یابی و سازماندهی کارگری متناسب با وضعیت دشوار کار و زندگی کارگران، همچنین تقویت گرایش کمونیستی در تشکلهای کارگری.

در زمینه سایر جنبشهای اجتماعی، با توجه به بی افقی جریانات و گرایشات غیر رادیکال و اصلاح طلبانه، نیاز به هدایت و ارائه بدیل سوسیالیستی در درون این جنبش ها و وظیفه عاجل حزب است. ارائه این بدیل مسلما نیاز به برنامه و اهدافی متناسب با موقعیت و اهمیت هر یک از این جنبش ها در شرائط جدید شان و موقعیت و وزن هر یک از این جنبشها در جنبش سرنگونی بطور کلی و لاجرم تعیین سیاستها و پراتیک حزب در ارتباط با شرائط موجود این جنبشها دارد که این هم یکی از عرصه های پیش روی کنگره است.

امید رهایی: باید دید که بر اساس آنچه در بالا گفته شد مسائل پیشروی این جنبش چه هاست؟

ما باید در این کنگره به رهبران عملی اعتراضات، فعالین کمونیست و چپ جوابگو باشیم که چگونه در جهت هدایت و سازماندهی مردم با سیاستهای حزب و بدین طریق کسب قدرت توسط حزب را عملی سازند. و رو به مردم و جامعه، با اعتماد به نفس بالا بگوئیم و اعلام کنیم و اطمینان دهیم که حزب کمونیست کارگری ایران، آمادگی کامل دارد قدرت سیاسی را کسب و حفظ نموده و قادر به ایجاد تحولات بنیادی در زندگی میلیونها انسان میباشد. بنابراین کنگره باید راهکارهای مشخصی را پیش پای فعالین حزبی و اعتراضات بگذارد که در میان مردم و در دل جامعه چگونه برای این امر مهم کار کنند و با تبلیغ و ترویج هر محل کار و در هر محل زیست، مردم را در جهت کسب قدرت سیاسی توسط حزب و بدین طریق دخالت سیاسی در سرنوشت جامعه توسط شورا ها سازماندهی کنند. منظور از ما، ما فعالین حزب کمونیست کارگری در داخل و انسانهای درگیر در مبارزه است.

"بازگشت" مارکس؟

به مناسبت صد و هشتاد و نهمین سالگرد تولد کارل مارکس

سیاوش آذری

معمولاً از بازگشت کسی یا چیزی سخن گفته میشود که محلی، کسی و یا چیزی را ترک کرده باشد. واژه ترک کردن نیز در مواردی به مرگ و یا از میان رفتن شخص و یا شخص مشخصی اطلاق میگردد. بنابراین، در این مورد مشخص، چنین مینماید که سخن گفتن از "بازگشت مارکس" پاسخی به ادعای مرگ مارکس به مثابه متفکری قرن نوزدهمی است که تفکرات و نظریاتش زمینه حقیقی و علت وجودی خود را از دست داده باشند.

به علاوه کوشش در جهت پاسخ به این ادعا ظاهراً صورت مسئله مرگ و یا از میان رفتن مارکس را پذیرفته است. پس آیا باید در قبال ادعای مرگ مارکس سکوت کرد که "جواب ابلهان خاموشی است!" پاسخ صد البته منفی است زیرا نه بورژوازی و ایدئولوگها و آکادمیسینهای نان به نرخ روز خور و رنگارنگ ابله اند، نه تقابلات سیاسی و اجتماعی میان طبقات و جنبشهای سیاسی و اجتماعی طبقاتی در چهارچوب چنین برداشت صوری از واقعیت میگنجد و نه منظور مد نظر ما از "بازگشت مارکس" رستاخیز عیسی گونه‌وی و یا نظریاتش است.

جوهر تفکر مارکس در نظر گرفتن تاریخ به عنوان تاریخ فعالیت انسان و تعریف واقعیت بر مبنای پراتیک اجتماعی موجودیت انسانی است. تاریخ تنها به مثابه تاریخ فعالیت انسانهای واقعی معنی دار است. فعالیت انسانی نیز که بنا بر نظر مارکس آن عاملی است که انسان را از دیگر حیوانات متمایز میکند به معنای تولید به عنوان یک کنش اجتماعی است. انسان نه تنها خود را بلکه شرایط موجودیت و تولید و بازتولید خود را نیز تولید و بازتولید میکند. انسان با واقعیت نه به مثابه داده حسی محض، چنانکه فوئرباخ و یا تجربه‌گرایان جزمی میپنداشتند، بلکه به صورت کنش مادیت یافته خویش که همان تولید است مواجه میشود. به همین علت است که مارکس مسئله پیوستگی واقعیت را نه به عنوان پرسش "فلسفی" محض بلکه به عنوان مسئله‌ای پراتیک مطرح میکند.

مسئله رویکرد پراتیکی مارکس به دنیا که بنای کار خویش را نه تفسیر بلکه تغییر دنیا تعریف میکند نتیجه این ماهیت پراتیک واقعیت است، این ماهیت خود انعکاسی از موجودیت انسان به عنوان عنصر فعاله است. از این روست که مارکس در تقابل با فیلسوفان تجربه‌گرا و ماتریالیست جزمی، از هابز و هیوم گرفته تا فوئرباخ که نظریات خود در رابطه با انسان و جامعه را بر مبنای جامعه مدنی بورژوازی استوار میسازند مبنای ماتریالیسم پراتیک را جامعه انسانی و یا انسان اجتماعی تعریف میکند.

پراتیک انسانی و یا تولید امری اجتماعی است. محصول پراتیک انسان تنها در چهارچوب اجتماع به عنوان عینیتی واقعی متحقق میشود زیرا تنها در چهارچوب ارتباط اجتماعی است که محصول پراتیک انسانی به مثابه واقعیتی عینی به موضوع فعالیت دیگر انسانها مبدل میگردد و به این ترتیب به عنوان حقیقتی پراتیک به عینیتی مستقل از مولد بلاواسطه خود تبدیل میشود. از آنجا که موجودیت انسانی تنها با تولید قابل تعریف است انسان نیز اساساً موجودی اجتماعی است.

از این رو تولید در هر دوره مشخص به شکلی مشخص متحقق میگردد. روابط تولید از طرفی شکل روابط اجتماعی را تعیین میکنند اما از طرفی دیگر خود تحقق اشکال ارتباط میان انسانها هستند. به علل تاریخی مختلف که از حوصله این بحث خارج است رشد نیروهای مولده و پیدایش اشکال نوین تولید، بنابر ماهیت و جوهر اجتماعی تولید، منجر به ظهور جوامع طبقاتی میگردد. جامعه سرمایه‌داری آخرین شکل روابط تولیدی طبقاتی است زیرا اقتصاد سرمایه‌دارانه نیروی کار را نیز از تمامی قیود اجتماعی گذشته رها کرده و به مثابه کالا به بازار عرضه میکند. کالاشدگی نیروی کار که به صورت پدیده کار مزدی متظاهر میگردد عاملی است که موجب رشد بیسابقه تولید سرمایه‌دارانه در تقابل با تمامی اشکال پیشین تولید میشود زیرا سود، که غایت تولید سرمایه‌دارانه را تشکیل میدهد، چیزی جز از

استثمار نیروی کار نیست. سوسیالیسم به مثابه نقد اجتماعی و پراتیک شیوه تولید سرمایه‌داری، بنابراین به معنی لغو کار مزدی، استثمار نیروی کار و تصاحب ارزش اضافه توسط بورژوازی و لغو مالکیت خصوصی وسائل تولید است.

آنچه از تمامی این نکات به روشنی قابل روئت است عمق انسانگرایی مارکس و کمونیسم مارکسیستی است. مارکس، بر خلاف تفاسیر مکانیکی متداول در بلوک سرمایه‌داری دولتی شوروی و یا کاریکاتوری که از نظریات وی توسط آکادمیسینهای بسیار شریف بورژوا در دانشگاه‌های کشورهای غربی عرضه میگردد نه جبرگراست و نه نظریه پرداز تحلیل فرد در روح جمعی. اساس سوسیالیسم مارکس انسان است و مرکز ثقل رویکرد انقلابی مارکس به جهان پیرامون انسان در این انسانگرایی و تلاش بیوقفه برای رهایی انسان از قیود حاصل از جامعه طبقاتی نهفته است. "سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است."

با شکست تجربه انقلاب اکتبر و تحویل این انقلاب عظیم کارگری به افق بورژوازی صنعتی روسیه تفاسیر بورژوازی از مارکس که تظاهر کمونیسمهای طبقات غیر پرولتر بود دست بالا پیدا کرد. رشد نیروهای مولده، برای نمونه، در این دیدگاه به رشد تکنیکی محض وسائل تولید تقلیل داده شد، اقتصاد سرمایه‌داری مترادف با آناشی در تولید (که تنها یکی از عوارض جانبی تولید سرمایه‌داری است) شد و از این طریق سوسیالیسم به اقتصاد مبتنی بر برنامه تغییر شکل داد و مالکیت دولتی جایگزین مالکیت اجتماعی وسائل تولید گشت. به این ترتیب کمونیسم و مارکس به پرچم بیان نارضایتی بورژوازی جوامع مختلف تبدیل شد. در این میان، در جوامع سرمایه‌داری با اقتصاد بزرگتر تفاسیر بورژوازی از کمونیسم و مارکس در نامگذاری دلخواهی این جوامع توسط نظریه پردازان چپ و راست بورژوازی به عنوان جوامع پاسرمایه‌داری، پاسصنعتی و یا پاسامردن متجلی گردید. سقوط بلوک شوروی و سرمایه‌داری دولتی

موجبات اضمحلال این تفاسیر بورژوازی از مارکس و کمونیسم را نیز فراهم نمود. بورژواهای ناراضی به دنبال تحقق آمال خویش به پرچم خودشان (دمکراسی، ناسیونالیسم، قومیت‌گرایی و غیره) متوسل شدند و نظریه پردازان پاسامردن به سرعت نقاب از چهره گرفته و به ایدئولوگهای این وایسگرایانه ترین جنبشهای اجتماعی مبدل گشتند. سقوط بلوک شوروی برای این طیف، چه موافق آن باشد چه خود را در مخالفت با این "رویزونیسم" تعریف کرده باشند به معنی مرگشان بود. آنچه آنها، در همسویی با بورژوازی جهانی که سقوط شوروی را به مثابه مرگ کمونیسم، مارکس، برابری طلبی و آزادیخواهی و پایان تاریخ در بوق کرده بود، مرگ کمونیسم و عدم موضوعیت مارکس نام گذاشتند بی ربطی تاریخی خودشان، خلع سلاح شدنشان در مقابل جریانهای اصلی بورژوازی و پایان تاریخ خودشان بود. امروز اما مدتهاست که عریده کشی گوش خراش بورژوازی جهانی مبنی بر پایان تاریخ و اقتدار بی رقیب سرمایه‌داری به پایان رسیده. ارمغان سرمایه‌داری به جهان بدون "خطر سوسیالیسم" نظم خونین نوین جهانی، میلیتاریسم دولتی، تروریسم اسلامی، حمله به پایه‌ای‌ترین حقوق شهروندی و تمامی دستاوردهای حاصل از بیش از صد سال مبارزه طبقه کارگر و اقشار محروم در خود جوامع غربی است. استثمار، تن بیکاری، عدم امنیت شغلی، تن فروشی، اعتیاد، تحمیق همه روزه انسان، امتیزه و کوییده شدن فرد در انزوای شخصی خویش، جنگ، کشتار و خونریزی، ناسیونالیسم، قومیت‌گرایی، مذهب و خرافه تنها گوشه‌ای از حکمرانی سرمایه‌داری

بر جهان است.

اما در عین حال امروز پرچم مارکس، پرچم امید به رهایی بشریت به اهتزاز در آمده است. مارکس هیچگاه از صحنه خارج نشده بود زیرا موضوع نقد و انقلاب اجتماعی مورد نظر مارکس یعنی جامعه سرمایه‌داری هنوز صحنه گردان معرکه است. آنچه میتوان به عنوان "بازگشت" مارکس نام برد احتیاج بیشتر از هر زمان طبقه کارگر و بشریت به مارکس و کمونیسم مارکسی برای رهایی، برای تحقق آزادی و برابری است. "بازگشت" مارکس بازگشت کمونیسم به مثابه نقد پراتیک و اجتماعی جامعه سرمایه‌داری به بستر اصلی طبقاتی اش و ظهور کمونیسم مارکسی در چهارچوب کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری است. از کمپین "من از مذهب رویگردانم" در آلمان تا برافراشته شدن پرچم سرخ و شعار "یا سوسیالیسم یا بربریت" در دانشگاه تهران، از تعرض همه جانبه به اسلام سیاسی و عقب رانده شدن طرح دادگاه‌های شریعه در کانادا تا سرود انترناسیونال در مراسم یادبود جانباختگان قتل عام سیاسی شهریور ۶۷ در گورستان خاوران، از کنفرانس برلین تا تعرض قدرتمند دانشجویان پلی تکنیک علیه احمدی نژاد، از ۸ مارس سرخ تا جشن آدم برفیها و همایش کودکان کار و خیابان در سنندج و تهران تا مراسم اول مه همین دیروز که در آن شعار "آزادی، برابری، حکومت کارگری" فریاد زده شد، از انتخاب مارکس به عنوان مرد هزاره در نظرسنجی بی‌سی تا هشتاد طیفهای مختلف بورژوازی در ایران مبنی بر پرواز شب لنین بر فراز کشور، ما شاهد حضور مستمر مارکس و طنین فراخوان او برای مبارزه در راه سوسیالیسم و رهایی بشر هستیم.

مارکس زنده است! زنده باد مارکس!

کنگره ششم حزب

در ماه مه برگزار میشود

کنگره علنی است و ورود برای عموم آزاد خواهد بود

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046-8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

اعلام کمپین برای: آزادی دستگیرشدگان اول مه سنندج، معلمان زندانی و در دفاع از کارگران مهاجر افغانی

خطاب به سازمانهای کارگری و سازمانهای معلمان در سراسر جهان
خطاب به نهادها و سازمانهای مدافع حقوق انسان
به سوسیالیست ها و مدافعان حقوق کارگران
و به همه مراکز کارگری، به دانشجویان در سراسر کشور و به مردم شهر سنندج

در روز اول مه تعدادی از شرکت کنندگان و سازماندهندگان اول مه در شهر سنندج دستگیر شدند که ۱۳ نفر آنها همچنان در زندان سنندج بسر میبرند. دستگیرشدگان از فعالین و رهبران کارگری و مسئولین و اعضای اتحادیه کارگران بیکار و اخراجی هستند که در جریان یورش وحشیانه نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی به مراسم اول مه و یا روز بعد از آن دستگیر شده اند. محمود صالحی فعال اول مه سفر نیز بدلیل برگزاری اول مه در این شهر از سه سال قبل بارها بازداشت شده و از مدتی قبل در زندان سنندج بسر میبرد.

حزب کمونیست کارگری ایران برای آزادی دستگیرشدگان تاکنون اقداماتی انجام داده است از جمله بلافاصله پس از دستگیری ها، مرتباً

اخبار آن را از طریق تلویزیون انترناسیونال منعکس کرده، اطلاعیه حزب برای لیست وسیعی از سازمانهای کارگری و نهادها و سازمانهای مدافع حقوق انسان و برخی رسانه ها در کشورهای مختلف ارسال شد. در سایت لیبر استارت اطلاعیه و فراخوان حزب در این زمینه بلافاصله درج شد و با عفو بین الملل نیز تماس گرفته شد. تا کنون کنفدراسیون اتحادیه های کارگری و نیز عفو بین الملل در این مورد بیانیتهایی صادر کرده و جمهوری اسلامی را محکوم کرده اند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران زندانی شده اند.

کارگران زندانی بشرح زیر میباشند:

شیث امانی رئیس اتحادیه کارگران بیکار و اخراجی، خالد سواری نایب رئیس اتحادیه، صدیق کریمی عضو هیئت مدیره اتحادیه، اقبال لطیفی، یاده مرادی، نجمه الدین رجبی، فاروق گوئیلیان، انور مفخری، صدیق امجدی، حبیب الله

کلکانی، محی الدین رجبی و صدیق صبحانی از اعضای اتحادیه و طیب چتانی از فعالین کارگری در سنندج. محمود صالحی را نیز باید به این لیست اضافه کرد.

جمهوری اسلامی میخواهد جلو گسترش اعتراضات کارگری را بگیرد. بویژه با دستگیری تعدادی از مسئولین و اعضای اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار تلاش میکند رهبری این تشکل نوپا را تحت فشار قرار دهد و آنرا از دور خارج کند و روحیه مبارزه جویی در میان مردم در سراسر کشور را در هم بشکند.

علاوه بر این، جمهوری اسلامی در هفته های گذشته دستگیری و اخراج کارگران مهاجر افغانی را که بعضاً دهها سال است در ایران زندگی میکنند شدت بخشیده است. بطوری که یکی از آنها که توسط ماموران جمهوری اسلامی از بالای ساختمان به پائین پرتاب شده بود جان باخت و تعدادی از آنها هم اکنون در بیمارستانی در هرات بستری هستند. در جریان تجمعات و اعتصابات

گسترده معلمان نیز تعدادی از معلمان دستگیر شده که همچنان در زندان بسر میبرند. تعدادی از آنها نیز حکم انفصال از خدمت گرفته اند. این اقدامات پاسخ رژیم به صدها هزار معلمی است که افزایش دستمزد و شرایط زندگی بهتر میخواهند.

با تمام قوا باید به یاری کارگران دستگیرشده، معلمان و مهاجرین افغانی برخاست و نقشه های ضد مردمی رژیم را نقش بر آب کرد.

برای آزادی کارگران و معلمان زندانی و در دفاع از کارگران مهاجر، اقدامات بسیار گسترده تر و همه جانبه تری در ایران و در سطح بین المللی لازم است. به این منظور حزب کمونیست کارگری کمپینی را سازمان داده است و همه سازمانهای کارگری، سازمانهای مدافع حقوق انسان، و احزاب و گروههای سیاسی مدافع حقوق کارگر و کمونیستها، سوسیالیستها و مدافعان حقوق کارگر و مردم آزادیخواه را به شرکت در این کمپین فرامیخواند.

به کمپین بین المللی برای آزادی کارگران و معلمان زندانی پیوندید. از همه مردم آزادیخواه، کارگران، دانشجویان، زنان و جوانان در ایران میخواهیم قاطعانه از حقوق کارگران و معلمان و حق برابر شهروندی همه مردم دفاع کرده و به این کمپین با

تمام قوا یاری رسانند. ما همه سازمانهای کارگری، نهادها و شخصیت های مدافع انسان و همه مردم آزادیخواه را به حمایت از خواست های زیر فرامیخوانیم:

۱- آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه دستگیرشدگان اول مه

۲- آزادی کلیه معلمان زندانی و لغو احکام انفصال از خدمت تعدادی از معلمان

۳- آزادی بیان، اعتصاب و تشکل، آزادی تجمع و اعتراض

۴- آزادی کلیه زندانیان سیاسی

۵- محکوم کردن شدید جمهوری اسلامی بخاطر سرکوب اول مه

سنندج، بهم زدن مراسم کرمانشاه، حمله به تظاهرات اول مه تهران و دستگیری فعالین کارگری در سنندج

۶- ما همچنین سیاست فاشیستی و ضدانسانی جمهوری اسلامی علیه کارگران افغانستانی مهاجر ایران را شدیداً محکوم میکنیم.

ضرب و شتم مهاجرین را که به قتل حادقل یکی از آنها در روزهای اخیر منجر شده است شدیداً محکوم میکنیم و خواهان پایان دادن به اخراج مهاجرین و حقوق برابر شهروندی و حق کار و زندگی برای همه مهاجرین مقیم ایران هستیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
مه ۲۰۰۷، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۶

صندوق همبستگی مالی با کارگران دستگیر شده در ایران

همبستگی و تقویت اتحاد در میان کارگران است. ما در اینجا صندوقی را برای جمع آوری کمک برای کارگران دستگیر شده و کمک رسانی به خانواده های آنان اعلام میکنیم و از همه مردم آزادیخواه میخواهیم که به این صندوق کمک کنند.

کمک مالی به این صندوق بخش مهمی از حمایت سیاسی و اتحاد کل کارگران و مردم آزادیخواه از کارگران دستگیر شده و دفاع از حقوق اولیه خود، حق تشکل، حق اعتصاب و حق برپایی مراسم مستقل اول مه و دیگر خواستها و مطالبات کارگری است.

به صندوق همبستگی مالی با کارگران دستگیر شده کمک کنید. نگذاریم که خانواده های این کارگران در فشار و تنگنای مالی باشند. بویژه اکنون در رابطه با دستگیری های اول مه سنندج و نیز محمود صالحی کمک رسانی به خانواده های آنان بخشی از اقدام اضطراری در مقابل

یک تلاش دایمی جمهوری اسلامی در عقب راندن اعتراضات کارگری تهدید، فشار و دستگیری فعالین و رهبران کارگری است. رژیم حمله خود به کارگران را از قبل از اول مه با دستگیری محمود صالحی از فعالین اول مه سفر شروع کرد و هم اکنون ۱۳ نفر از رهبران کارگری در شهر سنندج به اسامی شیث امانی - خالد سواری - صدیق کریمی - اقبال لطیفی - یاده مرادی - نجمه الدین رجبی - فارص گوئیلیان - انور مفخری - صدیق امجدی - حبیب الله کلکانی - محی الدین رجبی - صدیق صبحانی - طیب چتانی به جرم برگزاری و شرکت در مراسم اول مه در زندانند.

باید در برابر این فشارها ایستاد. کارگران دستگیر شده باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شوند. صندوق همبستگی مالی با کارگران یکی از سنت های جافاتاده در مبارزات کارگری و ظرفی برای ایجاد

خطاب به سربازان

از صفحه ۱

تا صبح ۱۹ اردیبهشت زندانی میکنند. این يك واقعه مهم است. این شروع ترمز از دستورات سرکوبگران است. سربازان منفعتی در وضع موجود ندارند، برعکس خود مورد بیشترین بی حقوقی ها و بی حرمتی ها و زورگویی ها هستند. سربازان فرزندان کارگران و بخش محروم و زحمتکش جامعه اند و از همه محرومیت ها و بی حقوقی هایی که در حق طبقه کارگر و محرومان جامعه میشود رنج میبرند. نه نفعی در سرکوب معلمان دارند نه در سرکوب دانشجویان و کارگران و زنان.

در جریان انقلاب ۵۷ مردم به سربازان گل دادند و آنها را به طرف خود کشاندند. در جریان انقلاب اکتبر در سال ۱۹۱۷ سربازان کرور کرور از جبهه فرار کردند و به بلشویک ها پیوستند و در جبهه بلشویک ها در مقابل تزار و نیروهای سرکوبگرش ایستادند. این قانون همه

سربازان آزاده! هر جا که میتوانید از دستورات فرماندهان سرپیچی کنید و به سرکوب مردم اعتراض کنید.

مرگ بر جمهوری اسلامی
آزادی، برابری، حکومت کارگری
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران

مه ۲۰۰۷، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۶

K.F.K.S
plusgiro 160 44 46-3

هماهنگ کننده کمیته همبستگی کارگری
حزب کمونیست کارگری ایران
شهلا دانشفر

مه ۲۰۰۷، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۵
Shahla_daneshfar@yahoo.com

در اعتراض به سفر وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی به سوئد

سیامک بهاری

به نمایش گذاشته شد جلوه های نیرومند دیگری از تحقق این سیاست رادیکال و انقلابی بود. زمانی که خبر سفر دیدار رسمی متکی از سوئد منتشر شد، خشم و اعتراض جامعه سوئد و بویژه شهر استکهلم را در بر گرفت. در روزهایی که کارگران، معلمین، دانشجویان، زنان و... درگیر جنگی همه روزه برای کسب پایه ای ترین خواسته های خود هستند و رهبران و فعالین این مبارزات دستگیر و روانه زندان شده اند، دعوت از وزیر رژیم کشت و

چنین دعوتهایی را به خود ندهند. فضای اعتراضی پرشوری بر شهر استکهلم مستولی گردید. بسیاری از رادیوهای محلی فارسی زبان وقت خود را در اختیار معترضین گذاشتند و مردم گوش به گوش به هم خبر می دادند و برای روز ۷ می و تظاهرات علیه این مصاشات مشتمن کننده دولت سوئد، خود را آماده می کردند. اعتراض منحصراً به استکهلم نبود، در دیگر شهرهای بزرگ و کوچک سوئد، صدای مخالفت مردم معترض بلند بود. برای پیشبرد بهتر



کشتار يك دهن كجی آشکار به مردم ایران و ایرانیان ساکن سوئد و همچنین زیر پا گذاشتن تمایلات انساندوستانه و آزادیخواهانه مردم سوئد بود. از همین رو اعتراض فقط به ایرانیان ساکن سوئد محدود نبود و صداهای مخالف دیگری نیز بلند شد. حتی يك نماینده مجلس از این سفر بعنوان مشروعیت بخشیدن به رژیم جمهوری اسلامی یاد کرد. خارج از اراده و توان مردم معترض، منوچهر متکی به سوئد دعوت شده بود. اکنون می بایست این سفر به چنان اقتضای برای دولت سوئد و سرشکستگی برای جمهوری اسلامی تبدیل شود که دولتهای غربی دیگر درس عبرت بگیرند و جسارت انجام

حزب ما و دیگر سازمانهای اپوزیسیون با صدور فراخوان و اطلاعیه و استفاده از رادیوهای محلی از مردم می خواستند که با یکپارچگی و قدرت در اعتراض علیه

کشتار يك دهن كجی آشکار به مردم ایران و ایرانیان ساکن سوئد و همچنین زیر پا گذاشتن تمایلات انساندوستانه و آزادیخواهانه مردم سوئد بود. از همین رو اعتراض فقط به ایرانیان ساکن سوئد محدود نبود و صداهای مخالف دیگری نیز بلند شد. حتی يك نماینده مجلس از این سفر بعنوان مشروعیت بخشیدن به رژیم جمهوری اسلامی یاد کرد. خارج از اراده و توان مردم معترض، منوچهر متکی به سوئد دعوت شده بود. اکنون می بایست این سفر به چنان اقتضای برای دولت سوئد و سرشکستگی برای جمهوری اسلامی تبدیل شود که دولتهای غربی دیگر درس عبرت بگیرند و جسارت انجام

کشتار يك دهن كجی آشکار به مردم ایران و ایرانیان ساکن سوئد و همچنین زیر پا گذاشتن تمایلات انساندوستانه و آزادیخواهانه مردم سوئد بود. از همین رو اعتراض فقط به ایرانیان ساکن سوئد محدود نبود و صداهای مخالف دیگری نیز بلند شد. حتی يك نماینده مجلس از این سفر بعنوان مشروعیت بخشیدن به رژیم جمهوری اسلامی یاد کرد. خارج از اراده و توان مردم معترض، منوچهر متکی به سوئد دعوت شده بود. اکنون می بایست این سفر به چنان اقتضای برای دولت سوئد و سرشکستگی برای جمهوری اسلامی تبدیل شود که دولتهای غربی دیگر درس عبرت بگیرند و جسارت انجام

سفر منوچهر متکی شرکت کنند. استکهلم هیچگاه خود را چنین یکپارچه ندیده بود. بالاخره روز ۷ مه فرارسید! از ساعت یازده تا سیزده با حضور صدها نفر از مخالفان جمهوری اسلامی در مقابل دانشکده دفاع ملی سوئد در استکهلم تظاهرات قدرتمندی برگزار شد. متکی قرار بود در این محل سخنرانی داشته باشد. پلیس ضد شورش با تجهیزات کامل و مجهز به اسب و سگ و سپر باتوم، با آرایش جنگی مقابل صدها نفر از ایرانیان خشمگین در تظاهرات صف کشیدند.

صحنه های پرشور و فراموش نشدنی از افشاکری علیه جمهوری اسلامی و دولت سوئد و یکپارچگی معترضین هر ترفندی را خنثی می کرد. چندین یورش پلیس با خشم بیشتر حاضرین پاسخ گرفت. پرتاب تخم مرغ، منظره ای استحضاً آمیز به درب وردی سالن داده بود. متکی سرپانیست، به ضرب باتوم و اسب و سگ پلیس از راه پستی وارد شد و با تاخیری نیم ساعته جلسه او برگزار گردید. شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی ایران، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، متکی قاتل است، کارل بیلت ریاکار است، سفارت جمهوری اسلامی این لانه جاسوسی تعطیل باید گردد یکدم قطع نمیشد. فعالین سیاسی پشت تریبون آزاد تظاهرات سرکوبگر و جنایتکار جمهوری اسلامی به دولت سوئد اعتراض می کردند. تظاهرات از گوشه ای به گوشه

دیگر شهر استکهلم هرجا که برنامه ای برای متکی ترتیب داده شده بود کشیده میشد. تظاهرات دیگری بلافاصله در مقابل وزارت امورخارجه سوئد محل ملاقات متکی با همتای سوئدی اش کارل بیلت، برپا شد. مسئولین دولتی سوئد یکی پس از دیگری تلاش داشتند خود را از زیر تیغ تیز حمله مخالفین برهانند.

چند روز پس از انجام این سفرکه بازتاب بسیار گسترده ای در مدیا یافت، هنوز بخشی از مطالب رسانه های سوئد و برنامه های مطرح رادیو و تلویزیون سوئد به این رویداد اختصاص دارد. فعالین کمونیست و چپ در رسانه های گروهی حاضر شدند و ضمن محکوم کردن این سفر فریاد آزادیخواهی مردم ایران را پژواک دادند. این جملات مهین علیپور کادر حزب کمونیست کارگری و سخنگوی کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در گفتگو با خبرنگاری رسمی سوئد که از طرف خبرگزاریهای دیگر منعکس شد پیام روشن این اعتراض قدرتمند بود:

«رژیم جمهوری اسلامی رژیم آپارتاید جنسی است. این رژیم و سران آن باید در يك دادگاه بین المللی محاکمه و مجازات شوند و نه اینکه با آنها دیدار و گفتگو شود. جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست. رژیم سرکوبگری است که طی ۲۸ سال مخالفین را اعدام و سرکوب کرده است و حتی کودکان را نیز به دار آویخته است. این رژیمی نیست که بتوان با آن در باره دموکراسی حرفی زد. چرا که این رژیم اساساً دشمن آزادی و دموکراسی است و یکی از عوامل تروریست در عرصه بین المللی است.»

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

تصمیمات سرنوشت ساز و با عزم راسخ به فکر کسب قدرت سیاسی باشیم و اطمینان داشته باشیم که ما میتوانیم و قادریم کارهای بزرگی را انجام دهیم اگر به نیروی خود، اگر به قابلیت کمونیسم کارگری در ایجاد تحولات اجتماعی باور و ایمان داشته باشیم. در این راستا به درایت سیاسی لیبر فعلی حزب، رفیق حمید تقوایی واقف باشیم تا در این مرحله نیز بتوانیم با سربلندی و اتحاد و

پاسخگوی انتظار جامعه از خودمان باشیم. موفق باشید. امید رهایی: پیام من به کنگره اینست که رفقا بیانیید با اتحاد و انسجام نظری شایسته حزب منصور حکمت، حزب رهبری کننده جنبش کمونیسم کارگری در ایران، که بعد از دهها سال در ایران و جهان، امکان دخالت در سرنوشت سیاسی جامعه ایران و بدین طریق در سرنوشت سیاسی خاورمیانه و جهان را پیدا کرده است، با اتخاذ

کادرهای سیاسی بالغی هستیم که بدون توجه به ما و شعور ما کسی قادر نیست سیاست و جهت گیری حزب را تعیین کند. این حزب برای تغییر بنیادی در بنیان های سیاسی و اجتماعی تلاش میکند، بنا براین نمیتواند سرسری و ماجراجویانه به وظایف پیش روی خود نگاه کند. کار سختی پیش رو داریم و خودمان هم باید به همان سختی باشیم تا از پس این کارها برآئیم. انسانهای زیادی در اینجا به شما نگاه میکنند، ما باید

از صفحه ۳ مصاحبه با دو فعال حزب ...

بنابراین کنگره باید از جمله مشخص نماید که اعضا حزب و رهبران عملی اعتراضات اجتماعی چگونه و با کدام گامهای عملی میتوانند به این اهداف دست یابند؟

شهلا دانشفروز: پیام شما به کنگره چیست؟

مرتضی فاتح: اجازه بدهید پیام به کنگره را به زمان برگزاری کنگره

بنابراین کنگره باید از جمله مشخص نماید که اعضا حزب و رهبران عملی اعتراضات اجتماعی چگونه و با کدام گامهای عملی میتوانند به این اهداف دست یابند؟

شهلا دانشفروز: پیام شما به کنگره چیست؟

مرتضی فاتح: اجازه بدهید پیام به کنگره را به زمان برگزاری کنگره

نامه ها

قدم بعدی علیه دست به یکی کردن همه شارلاتانها

دور از دروغ و ریا ... اینطور خوب است! ... و بدین طریق برای خیلی از کسانی که دو دل و بر سر دو راهی هستند يك كمك بزرگی هست که چراغ سبز نشان دهیم که راه باز است ... چه احساس خوبی هست که در چشمان ترکها، ایرانیها و عربها نگاه کرد ... زمانی که اینها تصمیم میگیرند از صف دروغگویان و حقه بازان جدا شوند و به طرف انسانیت بیایند ... هورا، هورا، هورا

و آتوقت يك مسرت ابدی به خاطر شما بوجود میاید اگر شما از این حرکت باز نایستید ... روشنفکران تیزهوش شما را در ذهن خود به دنیای محدودشان متعلق میکنند ... در نتیجه به راهتان ادامه دهید و به درون قلبتان گوش دهید و نگذارید صنعتگران متفکر شما را از کارتان باز دارند ... چرا که ممکن است که شما روزی حتی کاتولیکها و اوانجلیستها و و و را دعوت کنید که کاتولیکهای سابق "اوانجلیستهای سابق" ووو شوند... که در راه بوجود آوردن يك جنبش این کار قدم بعدی علیه دست به یکی کردن همه شارلاتانها خواهد بود ... برای يك دنیای انسانهای واقعی

دروود
راب

"مسلمانان سابق" عزیز و کاتولیکهای سابق!

حدودا شش ماه پیش يك زن مسلمان (سابق) را پیش خودم پناه دادم که از خانه اش فرار کرده بود چون در کنار مشکلات دیگری که داشت ازدواج اجباری نیز او را تهدید میکرد. از این زمان به بعد من با علاقه زیاد اتفاقاتی که در جامعه آلمان میافتد را دنبال میکنم و خوشحالم که شما این جرات را پیدا کردید که علنی ابراز وجود بکنید. من يك مسیحی هستم اما این من را از این باز نمیدارد که با شعور و نگاه انتقادی به محیطم نگاه کنم. من به دنبال تماس با انسانهایی هستم که یا در شرایطی مثل من بسر میبرند (یعنی سعی میکنند به این زنان جوان کمک کنند و احتمالا زن جوانی را پیش خود پناه داده اند) یا

های شما مفید و آموزنده بوده است. در مورد اعتصابات معلمان نکته ای دارم که باید بگویم و آن اینست که در این اعتصابات معلمان زن کمتر شرکت میکنند. بیشتر مدارس پسرانه در اعتصاب هستند. در مدارس دخترانه وقتی يك یا دو نفر جلو می افتند و میروند سر کار باقی هم ناگزیر دنبال آنها میروند سر کار. اما وقتی اجتماعات است. معلمان زن شرکتشان چشمگیر است. لطفا در این مورد صحبت کنید.

مهرنوش رفاهی

دوست عزیز مهرنوش

با سلام و تشکر از نامه ارسالی تان.

در نامه تان نوشته اید که برنامه های تلویزیون ما را مرتب میبینید، توصیه میکنم تلویزیون ما را به دوستان و آشنایانتان نیز معرفی کنید. ما دوستانی داریم که حول تلویزیون جمع شده و بصورت جمعی برنامه ها را میبینند و این خود باعث بوجود آمدن فضایی دوستانه و صمیمی و خلاق در میان آنها شده است. به نظرم تجربه خوبیست و توصیه میکنم شما نیز حتما این کار را بکنید. همچنین از شما و دوستان معلم دیگر شما میخواهم که در بحث های ما بپیوید در مورد مسایل اعتراضی معلمان شرکت کنید. نقطه نظراتتان را برایمان بفرستید. از این تریبون برای انعکاس صدای اعتراضات استفاده کنید. در مورد شرکت کمتر معلمان زن در اعتصابات نوشته اید. من قول میدهم در نوشته ای دیگر کلا در مورد مبارزات معلمان و موانع و نکاتی از این دست بپردازم. بازم متشکرم. برای ما بیشتر نامه بدهید.

یکی از رک و راستترین فعالین برای آزادی و برابری زنان

مریم نمازی عزیز

در روز جهانی زن ۲۰۰۷ در جلسه شبکه فمینیستها بحث در رابطه با آیکونهای زنده فمینیست شد. آن سان سوکی، برنده جایزه نوبل که ۱۰ سال است که در بازداشت خانگی در برمه است، تسلیمه نسرین از ینگلادش که زیر تهدید فتوا زندگی میکند و تو که یکی از رک و راستترین فعالین برای آزادی و برابری زنان هستی کسانی بودند که در این

اطلاعیه شماره ۱۳

۸ نفر از کارگران زندانی اول مه سندج آزاد شدند دیروز و پرویز خالد سواری و عباس اندریاری نیز آزاد شدند شیث امانی و صدیق کریمی همچنان در زندان هستند

آزادی تك تك کارگران زندانی اعلام کرده اند. بعد از آزادی این ۸ نفر نیز همه کارگران و خانواده ها هماهنگ و متحدانه اعلام کردند که تلاش و مبارزه برای آزادی سایر اعضای اتحادیه و محمود صالحی فعال اول مه سقز ادامه خواهد داشت.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری خود را شریک شادی و پیروزی کارگران و خانواده های آنها میداند و در کنار آنها برای تداوم مبارزه برای آزادی سایر زندانیان با تمام قوا در ایران و در سطح بین المللی تلاش خواهد کرد. جمهوری اسلام يك قدم عقب نشست، باید ناچارش کنیم شیث امانی، صدیق کریمی و محمود صالحی را نیز آزاد کند.

ما يك بار دیگر از همه سازمانهای کارگری و تشکلهای مدافع حقوق انسان میخواهیم که جمهوری اسلامی را برای آزادی کارگران زندانی تحت فشار قرار دهند. کلیه مراکز کارگری و مردم آزادیخواه در سراسر کشور، و همه مردم آزادیخواه در شهر سندج را به تداوم اتحاد و مبارزه پیگیرانه برای آزادی کلیه دستگیرشدگان فرامیخوانیم.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۶

کمک مالی به حزب

حسین آربین از آمریکا ۱۰۰۰ دلار
اعضا و دستداران حزب در دالاس ۴۵۰ دلار
بانو مخبر ۱۰۰ دلار به کنگره ۶ حزب

از صفحه ۶ مصاحبه با دو فعال ...

در راه عملی ساختنش مصمم باشیم و برای اجرا کردنش مصر شویم. زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران
زنده باد انقلاب*

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

لیست قرار گرفتید. خوب بود که یاد آور شویم که اکنون میتوانند يك انسان زنده باشد و در دوره خود ما

زندگی کند.
برایت آرزوی موفقیت داریم.
سو .

اطلاعیه شماره ۴۰، اعتراض معلمان

دهها معلم دستگیر شدند و به اوین منتقل شدند

علی اکبر باغانی، حمید پور و شوق علی صفر منتجبی، محمدتقی فلاحی، محمد رضا رضایی و سید محمود باقری از زندان آزاد شدند در تجمع معلمان روز ۱۸ اردیبهشت تعداد زیادی از معلمان دستگیر و روانه زندان شدند. جمهوری اسلامی با بسیج نیروهای سرکوب مجهز به باتوم و گاز فلفل تلاش کرد مانع تجمع معلمان شود. با اینهمه حدود هزار نفر از معلمان در حالیکه پلاکاردهائی در دست داشتند تجمع کردند و خواهان آزادی معلمان زندانی شدند. جمهوری اسلامی در جریان این تجمع و روز بعد از آن نزدیک به ۳۰ نفر را دستگیر کرد که اسامی آنها به شرح زیر میباشد:

۱- ثریا دارابی سردبیر هفته نامه ی قلم معلم (همسر محمد

خاکساری از مسئولین کانون صنفی معلمان که روز ۱۹ اردیبهشت با وثیقه ۳۰ میلیون تومانی آزاد شد

۲- سجاد خاکسار پسر ثریا دارابی و محمد خاکساری (که ساعاتی پس از دستگیری آزاد شد)

۳- طیبه میرزایی از منطقه ۲۰ تهران که روز ۱۹ اردیبهشت با وثیقه ۳۰ میلیون تومانی آزاد شد

۴- همت شبانی کرمانشاه، روز ۱۹ اردیبهشت آزاد شد

۵- خانم صفری منطقه ۳ همانروز دستگیری آزاد شد

۶- عزت اله شورگشتی از کرج روز ۱۹ اردیبهشت از زندان آزاد شد

۷- منصور میرزایی عضو هیات مدیره کانون فرهنگیان یزد

۸- میراکبر رئیس زاده عضو هیات مدیره کانون معلمان ایران (منطقه ۲ تهران)

۹- سیدمجتبی ابطحی عضو

کانون معلمان خمینی شهر

۱۰- بهنام پاپیان از خرم آباد روز ۱۹ اردیبهشت از زندان آزاد شدند

۱۱- عباس مرادی ساری چهاردانگه

۱۲- اسماعیل رسول خانی ناحیه ۲ شهرستان رباط کریم

۱۳- سعید تدینی منطقه ۱۳ تهران

۱۴- ارسطو قنبری منطقه ۴ تهران

۱۵- رضاعبدی منطقه ۱۸ تهران

۱۶- منصور عبدالحمیدی منطقه ۹ تهران

۱۷- فرزاد فراتی تهران

۱۸- مصطفی قهرمانی گل منطقه ۱۲ تهران

۱۹- اکبر اکبری منطقه ۴ تهران

۲۰- یوسف علی غلامرضایی منطقه ۴ تهران

۲۱- آقای عسگری از تهران

۲۲- میر اکبر بیک زاده

۲۳- احمد قنبری، منطقه ۴ تهران

۲۴- عباس موسوی، ساری

۲۵- غلامرضا شیروانی شهرستان فلاورجان همچنین:

۲۶- نجف آبادی و

۲۷- رجبی

از معلمان مشهد روز ۱۷ اردیبهشت دستگیر شده اند جمهوری اسلامی بیشرمانه چند نفر از معلمان دستگیر شده را که زن میباشد، پس از بازداشت به اداره مفاسد اجتماعی (ساختمان وزرا) منتقل کرد.

طبق گزارش کانون صنفی معلمان برای هرکدام از معلمان دستگیر شده ۵۰ میلیون تومان (برای آقای منصور میرزایی عضو هیئت مدیره کانون معلمان یزد ۸۰ میلیون تومان) وثیقه تعیین شده است. طبق این گزارش معلمان حاضر به پذیرش آن نشده اند.

طبق گزارش دیگری شش نفر از مسئولین کانون معلمان بنام علی اکبر باغانی، حمید پور و شوق، علی صفر منتجبی، محمدتقی فلاحی، محمد رضا رضایی و سید محمود باقری که از مدتی قبل در زندان بسر میبردند، دیروز ۱۹ اردیبهشت با وثیقه ۳۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شدند.

حزب قاطعانه از مبارزه حق طلبانه معلمان و خواستهای بحق آنها پشتیبانی میکند، دستگیری معلمان را شدیداً محکوم میکند و از همه مردم آزادیخواه در ایران و در سراسر جهان میخواهد دستگیری معلمان را محکوم کند و جمهوری اسلامی را برای آزادی فوری معلمان زندانی و پاسخ به سایر مطالبات معلمان تحت فشار قرار دهند.

زنده یاد اعتصاب و مبارزه معلمان
مرکز پر جمهوری اسلامی
زنده یاد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ مه ۲۰۰۷، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۶

تهاجم فاشیستی ...

از صفحه ۱

ساکنان ایران فاشیسم خود را به وحشیانه ترین شکل به نمایش گذاشته است. قوای پلیسی و سرکوبگر رژیم اسلامی به همراه عمده و اکثره وزارت کار سر زده به هر محل کاری وارد می شوند و به جان کارگران افغانی می افتند و با ضرب و شتم و خشونت آنها را روانه مرز و سپس افغانستان ویران و جنگ زده می کنند. میزان خشونت درندگان اسلامی چنان زیاد است که گزارشات متعددی از ضرب و شتم و در موردی از قتل یک کارگر خبر داده اند. از آنجایی که کارگر و مهاجرین افغانی در ایران جزو بی حقوق ترین بخش جامعه هستند حتی ضرب و شتم و به قتل رساندن آنها نیز آنطور که باید و شاید مورد اعتراض قرار نمی گیرد و در پرتو این رژیم اسلامی می تواند به تهاجمات وحشیانه خود همچنان ادامه دهد. جرم این انسانهای شریف و بیگناه چیست که اینچنین مورد حمله جانوران اسلامی قرار گرفته اند؟

می گویند که اینها ثبت نشده اند و باید اخراج شوند. مهاجرین افغانی "غیر مجاز" در ایران مطابق آمار جمهوری اسلامی حدود ۱ میلیون نفر هستند و اینبار جمهوری اسلامی با تمام قوا و توسل به زور و

این مردمان زحمتکش بوده است. انسانهایی که همیشه تخت کنترل بوده اند و بمانند بردگان با آنها رفتار شده است.

چرا کارگر افغانی که با این شرایط دهشتناک دارد نان زحمت خودش را می خورد نباید انسانی "مجاز" باشد و سرمایه داری که کار نکرده از قبل کار کارگران پول و ثروت پاره می کند "مجاز" باشد؟ چرا باید این انسانهای زحمتکش از هر گونه حقوق شهروندی محروم باشند و درندگان وحشی جمهوری اسلامی حتی تاب تحمل این بی حقوقی مطلق را نداشته باشند و به نشان بیافتند و اخراجشان کنند ولی مشتبی جانی حاکم بر این کشور سرمایه داران بیکاره در ناز و نعمت زندگی کنند؟ برغم ادعای بی شرمانه رژیم اسلامی و سموم راسیستی ای که اشاعه می دهد کارگر افغانی نه حق کارگر ایرانی را خورده است و نه کار او را اشغال کرده است! کافی است که هر کس به سر و وضع این انسانها نگاه کند و یک شب تا صبح را در کنار بچه های گرسنه و رنگ پریده و بیمار آنها که از حق تحصیل هم محرومشان کرده اند بگذراند تا پی ببرد که این هیولایی که اینها از کارگر افغانی ساخته اند صحت ندارد. وضعیت آنها را حتی آنهایی هم که به تحقیر شدن خو گرفته اند

نمی توانند بیشتر از چند روز تحمل کنند! کسی که در بی پناهی مطلق گرفتار آمده باشد چگونه می تواند حق کسی را خورده باشد؟

کارگران مردم!

حمله به کارگر و مهاجر افغانی حمله به انسانیت است. در مقابل آن نباید شانه بالا انداخت. از انسانیت و ارزش های انسانی قاطعانه به دفاع برخیزید. حمله به کارگر افغانی به بلاگردان جمهوری اسلامی تبدیل شده است تا این رژیم مسئولیت اصلی خود در به فقر و فاقه کشاندن جامعه را پنهان کند. این رژیم منحوس حمله را متوجه کارگر افغانی کرده است تا ناراضیاتی دامنه دار شما از این اوضاع را متوجه خواهران و برداران افغانی ما سازد. با صدای بلند اعلام کنید که این اجازه را به رژیم نخواهید داد. به ضرب و شتم و جنایات بر علیه کارگر افغانی اعتراض کنید. با نوشتن طومار و صدور بیانیه انزجار و نفرت خود را از این رفتار و وحشیانه رژیم اعلام دارید. بخواهید که قاتلین و ضاربین کارگران معرفی و مجازات شوند. بگویند که دست درازی به کارگر و مهاجر افغانی ساکن ایران موقوف! با صدای بلند بگویند که این حملات و وحشیانه هر چه زودتر باید متوقف شود! دست انسانیت به سوی خواهران و برداران افغانی خود دراز

یک دنیای بهتر برنامه حزب را بخوانید

کنسید و از حقوق آنها به دفاع برخیزید. بگویند که به همه مهاجرین افغانی ساکن ایران باید مجوز کار و اجازه اقامت داده شود. بگویند که کودکان مهاجرین افغانی باید از حق تحصیل و یک زندگی شاد برخوردار باشند. بگویند که کارگران هر جا که باشند دشمن سرمایه دار هستند و در مقابل سرمایه که یوغ بردگی بر گردن همه انداخته است دست در دست هم می گذارند. با اتحاد و یگپارچگی اعتراض خود را متوجه گردن کلفت هایی کنید که این وضع گرسنگی فقر و رنج را برای همه ما بوجود آورده اند. بگویند هر کس که در این کشور ساکن است مستقل از تابعیت باید از همه حقوق شهروندی برخوردار باشد. بگویند که کار و تامین اجتماعی حق همه انسانهای ساکن کشور مستقل از تابعیت است. جامعه در دفاع از انسانیت و کارگر و مهاجر افغانی چنان باید به حرکت در آید که جمهوری اسلامی سرمایه را به عقب براند و در مقابل اراده مردم برابری طلب به تسلیم وادارد. *